

اصلاح یا انقلاب

مباحثه احمد زیدآبادی و مهدی نصیری درباره راهبرد پیش روی تغییر خواهان / بخش اول



می‌شود. آقای زیدآبادی از موضعی صحبت می‌کنند که انفعالی دارد و البته حق دارند هر مسیری را انتخاب کنند، اما من هیچ احتمال قابل اعتدالی برای اصلاح و تغییر در وضع فعلی کشور نمی‌بینم. این حرف را هم غیر منطقی نمی‌دانم که برخی می‌گویند ما یکبار در سال ۵۷ انقلاب کردیم و چه خسارتی متحمل شدیم و الان اگر دوباره انقلاب کنیم همان خسارت رخ خواهد داد. این استدلال اصلاً منطقی نیست و معتقدم در آن زمان باید به سمت اصلاحات می‌رفتیم و نباید انقلاب می‌شد. شاه صحبت کرد و برای اصلاح و تغییر اعلام آمادگی کرد و همین که سراغ بختیاری رفت یعنی آماده این کار بود و به هیچ وجه تصلی که امروز در کشور بر سر عدم اصلاح وجود دارد را شاه نداشت. اما امروز کاملاً شرایط فرق دارد و قابل مقایسه نیست. اولین شرط تحقق اصلاح و تغییر این است که حاکمیت باید اراده اصلاح داشته باشد؛ حاکمیتی که خود را عین حقیقت می‌داند و مرجع حق می‌داند و هر شکستی را عین پیروزی می‌داند، با هر رسوایی کنار می‌آید، چطور می‌توان امید به اصلاح آن داشت؟ از نظر آن‌ها اهمیتی ندارد که مردم از این مسائل عصبانی باشند. آقای زیدآبادی چون از موضع خرد سخن می‌گویند، فکر می‌کنند بالاخره حاکمیت از مواضع خود کوتاه می‌آید و خردورانه تصمیم می‌گیرد. حرفی که آقای زیدآبادی می‌زنند از یک زاویه درست است که می‌گویند با اصلاح مسئله حل شود و گره‌ای را که می‌شود با دست باز کرد، چرا باید با دندان باز کرد؟ این حرف درست است و آن را قبول دارم، چرا بگذاریم جامعه دوباره به یک شورش و التهاب برسد؟ اجازه دهید در یک روند معقولی این اتفاق رخ دهد اما من می‌گویم چنین مقبولیتی در حاکمیت وجود ندارد. جمهوری اسلامی از روز اول میدان را به دست ایدئولوژی داد و خود را مقدس کرد، حکمرانی را شروع کرد و به اینجا رسید. آقای زیدآبادی به عنوان یک کارشناس مسائل منطقه را بهتر از همه ما می‌فهمند که این نوع موضع‌گیری در مقابل آنچه که امروز آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها راجع به ایران به دنبال آن هستند چقدر غیر خردمندانه است و در نوشته‌های خود بارها هشدار داده‌اند. سیاست و سیاست‌ورزی در جمهوری اسلامی تعطیل است. در ایران به هر عرصه‌ای که نگاه می‌کنید خبری از خردورزی نمی‌بینید و هیچ سیاست‌ورزی سیستماتیک در جمهوری اسلامی نیست.»

زیدآبادی: نباید مدام اصرار به تکرار انقلاب کرد



در ادامه بحث زیدآبادی به سخنان نصیری واکنش نشان داد و گفت: «درباره رویکرد عارفانه‌ای که آقای نصیری گفتند باید بگویم من الان متهم هستم که بیش از اندازه فعالیت می‌کنم. آن زمانی که ما رای نمی‌دادیم می‌گفتند رای ندادن انفعالی

اما اگر به گونه‌ای از وی تعریف شود که گویی انسان صالحی بوده و دیکتاتور نبوده، بسیار عجیب است چراکه با هر پارامتری اگر عملکردهای رضاشاه را حساب کنیم، او فرد مستبد و قلداری بوده است و اگر بگوییم که خب اینگونه بوده پس دیگر دموکراسی چه معنایی دارد؟ ما به دنبال یک نظام اقتدارگرایی هستیم که طرفی که حاکم است یکسری برنامه‌ها را به پیش ببرد و چندان به مجلس و قانون و دولت بهایی ندهد و کار خود را انجام دهد و ایشان باید این موضوع را روشن کنند. از طرفی هم بحثی که به عنوان ترجیح‌بند سخنان آقای نصیری منتشر شده در قالب «از تاجزاده تا شاهزاده» از شاهزاده هم تعریف و تمجیدهایی می‌کنند. البته من با شخص شاهزاده که از نظر من فرد ساده‌ای به نظر می‌رسند چندان مشکلی ندارم، اما او در مناسبات جهانی با نوع رابطه‌ای که با نتانیاهو برقرار کرده و همینطور مواضع ضددینی که اطرافیان وی می‌گیرند و خود او نیز بروز داده است؛ از نظر من وی فردی سکولار هم نیست، یک نوع ضدیت آشکار با دین دارند و این موضوع را تا این اندازه بزرگ کردن و در صورت بروز اتفاقاتی در آینده، جایگاهی رفیع برای آن تعریف کردن به چه معناست و اصلاً باید بر سر چه موضوعی با او صحبت کنیم؟ چرا که او به صورت بخشی از یک نیروی بین‌المللی که اراده کرده است نظم جهان و نظم این منطقه را به طور خاص به نفع تندترین نیروی صهیونیست و به بهای نابودی ملت‌هایی که تحت سیطره و اشغال بودند، به‌ویژه فلسطینی‌ها، در چارچوب ذهنی ایشان (مهدی نصیری) که فرد متدینی محسوب می‌شوند چگونه سازگار است؟ بزرگداشت رضاشاه اگر صرفاً جنبه این را داشته باشد که به توسعه مادی ایران کمک کرده است، آن را می‌پذیریم، اما این چگونه با خواست دموکراتیک جور در می‌آید و بعد در صحنه تحولات آینده نزدیک شدن به افرادی که هر چه تلاش می‌کنیم جنبه خوبی از آن‌ها پیدا کنیم دچار مشکل می‌شویم، چگونه خواهد بود؟»

نصیری: هیچ سیاست‌ورزی سیستماتیک در جمهوری اسلامی نیست



سپس مهدی نصیری برای شروع بحث خود چنین تصریح کرد: «من به آقای زیدآبادی ارادت دارم و دوستی ما به تحولاتی باز می‌گردد که در سال‌های اخیر پیدا کردم. ایشان در موضعی که می‌گیرند سر سوزنی منفعت‌طلبی و نفسانیت نمی‌بینم و آنچه که تشخیص می‌دهند را صادقانه مطرح می‌کنند. برای اینکه به نکات آقای زیدآبادی برسیم مقدمه‌ای را طرح خواهیم کرد. همه دوستانی که سخن از اصلاح، راهگشایی و روزنه‌گشایی می‌زنند و آقای زیدآبادی که از مدل سوم اصلاحی حرف می‌زنند که کاملاً انفعالی است، در اظهارات ایشان یک نوع عارف‌مسئله‌گرایی دیده

احمد زیدآبادی و مهدی نصیری دو فعال سیاسی در برنامه تقاطع جمهوری که در استودیو پات برگزار شد، با موضوع «دوگانه اصلاح یا انقلاب؟!» به مناظره پرداختند. در این مناظره طرفین دیدگاه‌های سیاسی خود را درباره شرایط کنونی ایران و امر اصلاح و یا انقلاب در راستای وضع موجود مطرح کردند که بخش اول آن را در ادامه می‌خوانید.

زیدآبادی: رادیکالیزم منجر به هرج و مرج شود نه یک حرکتی که منجر به تغییر مثبت شود



در ابتدای این مناظره احمد زیدآبادی در توضیح این دوگانه و فضای سیاسی امروز ایران گفت: «همه ما به وضع موجود نقد داریم؛ نقدهای رادیکالی که همراه با ملاحظه نیست و قصد هم نداریم بر سر خودمان یا دیگران کلاه بگذاریم و اصرار اشتباه بر خوب یا بد بودن موضوعی داشته باشیم. ما باید بر روی تقریر محل نزاع مشخصاً تمرکز کنیم. اگر آقای نصیری درباره مسائل و مشکلات موجود در کشور صحبت کنند، شاید من آن‌ها را رد نکنم و موافق هم باشم اما بحث بر سر راهکار است؛ اینکه می‌خواهیم چه راهی را برویم. ضمن ارادت شخصی که به آقای نصیری دارم، دو مشکل در صحبت‌هایی که می‌کنند و مطالبی که می‌نویسند دارم، اول اینکه ایشان فضا را بیش از اندازه رادیکالیزه می‌کنند که اگر معطوف به عملی هم باشند آن عمل خیلی به صلاح جامعه ایرانی نیست و ممکن است کاری دست کشور بدهد. دوم اینکه، در بحث‌هایی هم که مطرح می‌کنند، نوعی تناقض دیده می‌شود. از این تناقض شروع خواهیم کرد و بحث را به این سمت پیش خواهیم برد که چرا در این شرایط دامن زدن به رادیکالیزم بیشتر می‌تواند منجر به هرج و مرج شود تا یک حرکت سازمان‌یافته قابل کنترلی که منجر به تغییر مثبت شود. در صحبت‌های ایشان از یک سو می‌بینیم که جمهوری اسلامی را به استبداد، دیکتاتوری، به بسته کردن فضا در همه اجزای آن متهم می‌کنند که البته در حوزه‌هایی هم این موضوع اشتباه نیست و ما بسته بودن فضا را در برخی حوزه‌ها می‌بینیم. مدلی که گاهی ارائه می‌کنند نوعی از دموکراسی است، یعنی جایگزین دموکراتیک را مطرح می‌کنند اما در عین حال درباره ستایشی که در این ویدئوهای اخیر خود از رضاشاه کرده بودند؛ می‌شود گفت رضاشاه فرد مقتدری بود و مقداری هم در نوسازی مادی جامعه ایرانی اقداماتی انجام داد.

مهدی نصیری:
اولین شرط تحقق اصلاح و تغییر این است که حاکمیت باید اراده اصلاح داشته باشد؛ حاکمیتی که خود را عین حقیقت می‌داند و مرجع حق می‌داند و هر شکستی را عین پیروزی می‌داند، با هر رسوایی کنار می‌آید، چطور می‌توان امید به اصلاح آن داشت؟

منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاست



تنها چند روز پیش از آغاز سال ۱۴۰۴ یعنی ۲۷ اسفندماه خبر رفع حصر مهدی کروبی، از رهبران جنبش سبز و فعالان سیاسی اصلاح‌طلب در خروجی رسانه‌ها قرار گرفت و فرزندش حسین کروبی آن را مورد تایید قرار داد. حصری که برای کروبی ۱۴ سال به طول انجامید و به حوادث انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸ و اعتراضات دو کاندیدای آن انتخابات، او و میرحسین موسوی به نتایج آن بازمی‌گشت و در پی کشیده شدن این اعتراضات به خیابان علاوه بر مهدی کروبی، میرحسین موسوی و زهرا رهنورد نیز آن را تجربه کردند. اگر چه پایان سال ۱۴۰۳ خبر خوش‌رفعی حصر کروبی بالاخره پس از ۱۴ سال آمد اما خبر به همین جا ختم شد و تغییری در وضعیت موسوی و رهنورد صورت نگرفت. تلاشی که حتی مهدی کروبی با نپذیرفتن رفع حصر در پاییز به دلیل باقی ماندن رهنورد و موسوی در حصر بی‌نتیجه ماند. به هر حال همین تصمیم و همین اتفاق در روزهای پایانی سال گذشته کمی فضای ملتهب سیاسی جبهه اصلاحات را تغییر داد و نوروزی بیرون حصر را برای کروبی رقم زد. در پی این تصمیم دیدارهای بین کروبی و چهره‌های سیاسی صورت گرفت. شاید مهم‌ترین این دیدارها، دیدار سیدمحمدخانی و کروبی دو رهبر اصلاح‌طلب بود که با خوش و بش‌ها و چهره‌های خندان تصاویرش به رسانه‌ها کشیده شد اما این دیدار اولین دیدار پس از رفع حصر نبود. در اولین رخداد مهدی کروبی دیداری با حضور سید حسن خمینی و بسیاری از چهره‌های سیاسی اصلاح‌طلب از جمله مجیدانصاری، عبدالواحد موسوی‌لاری، اسحاق جهانگیری، عمادالدین باقی، محمدرضا خاتمی، عباس عبدی، مهدی هاشمی... داشت و پس از آن دیدارهای نوروزی شروع شد. چنانچه علاوه بر دیدار خاتمی - کروبی، دیدارهای کروبی با سیدهادی خامنه‌ای و آیت‌الله اسدالله بیات زنجانی و رسول منتجب‌نیا نیز رسانه‌ای شد. در این بین برخی به مقایسه این دیدارها و چهره‌ها پس از ۱۴ سال پرداخته‌اند؛ چهره‌هایی مانند سیدمحمدخانی که دیدارهای بسیاری در سال‌های پیش از حصر با مهدی کروبی چه آن زمان که رئیس مجلس ششم و خاتمی رئیس‌جمهوری وقت بود؛ چه آن زمان که در مجمع روحانیون مبارز هم‌تشکیلاتی بودند و چه در همه آن چهار پنج سال بعد از پایان ریاست‌جمهوری خاتمی که هر دو برای دیدگاه‌های اصلاح‌طلبانه‌شان تلاش می‌کردند و دیدارهایی داشتند. از طرفی بسیاری هم در کنار ابراز خرسندی و خوشحالی از این رفع حصر و این نوروز بدون حصر، نگاه‌شان به دو چهره دیگر باقیمانده در حصر هم بوده است؛ با این امید که چنین گشایشی ادامه یابد و همین روزها خبر رفع حصر آن دو چهره سیاسی نیز منتشر شود و سالی بدون حصر سیاستمداران کشور پس از ۱۴ سال بار دیگر در رقم بخورد.

ادامه سرمقاله

نکته بسیار مهم دیگر ناموفق بودن دولت در تحقق شعار وفاق درون ساختاری است. با استیضاح وزیر اقتصاد، وفاق موقتی ابتدای کار که ترک برداشته بود، این بار شکست و نمی‌توان با پوشش‌های صوری و امتیاز دادن و تقسیم پست وفاق را ایجاد کرد. وفاق که وجود آن بسیار هم ضروری و لازم‌ه حل امور کشور است. حل این چالش‌ها به‌صورت موردی و فنی امکان‌پذیر نیست. نه در سیاست خارجی و نه در سیاست‌های داخلی بدون تغییرات رویکردی نمی‌توان هیچ تحولی ایجاد کرد. وقت هم نداریم. مسئله ما مذاکره مستقیم یا غیرمستقیم نیست. مسئله اصلاح مقررات برای جلب سرمایه‌گذاری نیست. مسئله تکرار اینکه «وفاق خوب است»، هم نیست. مسئله را باید در تغییر رویکردی جست‌وجو کرد. باید مشخص کنیم که با جهان چگونه تعاملی را ترجیح می‌دهیم؟ در داخل نیز مردم و نمایندگان واقعی و خواست آنان چه جایگاهی در حکومت و سیاست‌گذاری دارند؟ پاسخ به این دو پرسش نشان خواهد داد که کجا می‌خواهیم برویم و اصولاً کجا خواهیم رفت؟